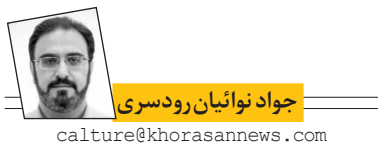


پُرشد حَرَم ز غُلْغله وا محمدا آیا کسی بُود که کُند یاری حسین (ع)؟

بازخوانی وقایع روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی
و چگونگی شهادت سیدالشهدا(ع) و یارانش در گفت وگویی خراسان
با آیت ا... محمد هادی یوسفی غروی، استاد برجسته تاریخ اسلام



همان طور که اشاره کردید، نیروهای کوفه، گروه و وارد کر بلا شدند، منتها فاصله میان ورود آن ها هم، خیلی زیاد نبود. هزار نفر سواره نظامی که فرماندهی آن ها بر عهده حر بود، یکی، دوروز بعد به چهار هزار سواره نظام دیگر ملحق شدند که این زیاد فرماندهی آن ها را به عمر بن سعد سپرده بود. نفرات لشکر کوفه تا نیمه روز تاسوعا، همین قدر بوده است؛ اما طبق گزارش های تاریخی، در این روز، شمر بن ذی الجوشن با چهار هزار پیاده نظام از کوفه رسید و نامه ای را به دست عمر بن سعد داد که در واقع آغاز جنگ با آن رقم خورد. این زیاد خواسته بود که عمر بن سعد، هر چه سریع تر کار را یکسره کند؛ یعنی یا امام(ع) را اودار به تسلیم سازد یا به جنگ با آن حضرت بپردازد و ایشان را به شهادت برساند. پسر مر جانه تهدید کرده بود که اگر عمر بن سعد قادر به انجام این امور نیست، فرماندهی لشکر را به حامل نامه، یعنی شمر بن ذی الجوشن واگذار کند؛ پسر سعد انجام این جنایت هولناک را پذیرفت و چون این زیاد برای اجرای دستور عجله داشت، تصمیم گرفت همان روز به اردوی امام حسین(ع) حمله کند. بنابراین مقتد مات حمله به سیدالشهدا(ع) و یارانش در ظهر روز تاسوعا تدارک دیده شد و سپاه کوفه حمله را آغاز کرد؟

قرار بود چنین شود، اما به دلایلی این اتفاق نیفتاد. ظهر روز تاسوعا بود که عمر بن سعد به سپاه کوفه فرمان حرکت داد؛ یعنی همه اردوی دشمن به حرکت درآمد. این تحركات از چشم دیده بانان لشکر امام حسین(ع) دور نماند؛ حتی بانوان حرم که از داخل خیمه ها نظاره گراوضاع بودند نیز، این تحركات را دیدند و نگران شدند. حضرت زینب(س) نزد سالار شهیدان رفت و موضوع نزدیک شدن سپاه کوفه را گفت. امام(ع) از برادر بزرگوارش، حضرت ابوالفضل العباس(ع) خواست که به سوی دشمن برود و درباره این تحركات سوال کند. آن حضرت به همراه حدود ۲۰ نفر از یاران اباعبد... (ع) به سوی لشکر کوفه رفت.

در میان این ۲۰ نفر، چه کسانی حضور داشتند؟ شخصیت های برجسته ای از اصحاب سیدالشهدا(ع)، حضرت ابوالفضل العباس(ع) را همراهی می کردند؛ افرادی مانند حبیب بن مظاهر که پیرمردی ۸۰ ساله و از بزرگان قبیله بنی اسد بود؛ یا مسلم بن عوسجه، پسر عموی حبیب بن مظاهر که او هم از قاریان و معلمان مشهور مسجد جامع کوفه بود و مأموریت جمع آوری سلاح و اموال را برای مسلم بن عقیل در کوفه بر عهده داشت. از دیگر افراد این گروه می توان به زهیر بن قین بجلي اشاره کرد که از بزرگان و نام آوران کوفه بود و سرگذشت عجیبی داشت. زهیر در جریان قتل خلیفه سوم، جانب طرفداران او را گرفت؛ البته زهیر در مقابل امیر مؤمنان(ع) نایستاد و علیه آن حضرت شمشیر نکشید، ولی با امام(ع) نیز، همراهی نکرد؛ هر چند که بعدها به معاویه که خود را مدعی خونخواهی عثمان می دانست هم، نپیوست. این رویکرد باعث شد که در آن دوران زهیر را عثمانی مسلک قلمداد کنند. اما

اتفاقی رخ داد که باعث پیوستن زهیر بن قین به سپاه امام حسین(ع) شد. پسر قین که از سفر حج باز می گشت، در چند منزل، با کاروان امام(ع) روبه رو شد، اما سعی می کرد از آن حضرت فاصله بگیرد. تا این که فرستاده سیدالشهدا(ع) نزد زهیر آمد و او را به خیمه امام(ع) دعوت کرد. زهیر ظاهراً مجبور شد به دیدار امام(ع) برود، اما در همان دیدار و پس از گفت وگو با امام حسین(ع)، نظرش تغییر کرد و در ضمن، یادروایتی از پیامبر اکرم(ص) درباره سیدالشهدا(ع) افتاد و این گونه بود که زهیر بن قین، یکی از شجاعان و مشاهیر کوفه، به سپاه اباعبد... (ع) پیوست؛ برخی او را قهرمانی دانسته اند که یک تنه با هزار نفر برابری می کرد. به هر حال، این گروه با عمر بن سعد و شمر



روبه رو شدند و موضوع را پرسیدند. به غیر از ابوالفضل العباس(ع)، بقیه این افراد در همان وسط میدان ایستادند تا کوفیان جلوتر نروند. عباس بن علی(ع) به محضر اباعبد... (ع) شرفیاب شد و موضوع را مطرح کرد؛ فرمود که این ها قصد حمله کرده اند و بسیار عجله دارند. سیدالشهدا(ع) از برادر بزرگوارش خواست تا نزد دشمن برود و از آن ها برای یک شب مهلت بخواهد تا امام(ع) و یاران، شب را به عبادت بپردازند. میان سرکردگان سپاه کوفه برای دادن این اجازه بحث هایی شد، اما نهایتاً به این مسئله رضایت دادند و جنگ به روز دهم محرم، یعنی روز عاشورا موكول شد.

لشکر امام حسین(ع)، کمتر از صد نفر نیرو داشت، اما در متون تاریخی، سخن از صف آرای و تنظیم لشکر توسط آن حضرت در روز عاشورا به میان آمده است. سیدالشهدا(ع) بر چه مبنایی این کار را انجام داد؟

امام حسین(ع) حتی برای لشکری کمتر از ۱۰۰ نفر نیز، قائل به رعایت نظام و نظم بود. این مسئله، به ویژه در جنگ، بجلي به کم و زیاد بودن سپاه ندارد. آن حضرت چنان که قاعده و مرسوم بود، قسمتی را به عنوان قلب لشکر در نظر گرفت، گروهی را به میمنه (دست راست) و تعدادی را به میسره (دست چپ) فرستاد و بخشی از نیروها را هم در پشت سپاه یا مؤخره قرار داد؛ آن گاه برچهار به دست برادر بزرگوارش حضرت ابوالفضل العباس(ع) سپرد تا در قلب لشکر مستقر شود.

گرفت و آن را به سوی سپاه اباعبد... (ع) پرتاب کرد؛ به دنبال این اقدام، گروهی از تیراندازان سپاه کوفه، شروع به تیرباران صفوف یاران سیدالشهدا(ع) کردند. به این ترتیب، جنگ از سوی سپاه کوفه به فرماندهی عمر بن سعد آغاز شد. امام حسین(ع) بعد از مشاهده این اقدام، رو به اصحاب کرد و فرمود: این تیرها، نامه های دشمن شماست که کارزار را شروع کرد، اینک به دفاع از خود برخیزید.

یکی از نکاتی که شاید برای خیلی از خوانندگان ما معلوم نباشد، کیفیت شهادت یاران سیدالشهدا(ع) است. در برخی منابع از جنگ تن به تن اصحاب امام(ع) با کوفیان سخن به میان آمده و در بعضی دیگر، صحبت از هجوم و حملات عمومی است. لطفاً در این باره توضیحاتی را ارائه بفرمایید.

در ابتدای کار، یعنی در همان صبح عاشورا، دو حمله عمومی از سوی سپاه عمر بن سعد سازمان دهی شد و در کدام از این حملات، حدود ۲۰ نفر از یاران اباعبد... (ع) به شهادت رسیدند.

یعنی تا قبل از ظهر، ۴۰ نفر از یاران امام حسین(ع) شهید شدند؟ همین طور است؛ به این ترتیب، به غیر از مردان خاندان بنی هاشم، حدود ۳۰ نفر باقی ماندند. بعد از آن بود که پیشنهاد جنگ تن به تن ارائه شد و عمر بن سعد دریافت که اگر این تقاضا را نپذیرد، ضربه سنگینی به آبرویش وارد می شود. این بود که قبول کرد و جنگ به صورت تن به تن ادامه یافت و به تدریج، بقیه اصحاب در نبردهای تنه او رودرو دشمنان، شهید شدند و نوبت به افراد خاندان سیدالشهدا(ع) رسید؛ اولین نفر از آن ها که به میدان رفت، حضرت علی اکبر(ع)، فرزند ارشد سیدالشهدا(ع) بود. بعد از او، فرزندان امام مجتبی(ع) پا به میدان گذاشتند که در بین آن ها، حضرت قاسم بن الحسن(ع) شهرت بیشتری دارد. بعد از او نیز، فرزندان عبد... بن جعفر که همسر زینب کبری(س) بود، راهی میدان شدند. عون، فرزند عبد... بن جعفر، یکی از شهدای کربلاست که فقط ۱۲ سال دارد و او را بر تاج تیر در کنار خیمه ها به شهادت رساندند. بعد از این افراد، نوبت به فرزندان امیر مؤمنان(ع)،



در ابتدای کار، یعنی در همان صبح عاشورا، دو حمله عمومی از سوی سپاه عمر بن سعد سازمان دهی شد و در هر کدام از این حملات، حدود ۲۰ نفر از یاران اباعبد... (ع) به شهادت رسیدند. به این ترتیب، به غیر از مردان خاندان بنی هاشم، حدود ۳۰ نفر باقی ماندند. به تدریج، بقیه اصحاب در نبردهای تنه او رودرو با دشمنان، شهید شدند و نوبت به افراد خاندان سیدالشهدا(ع) رسید

برادران سیدالشهدا(ع) و پسران ام البنین(س) رسید؛ عبد...، جعفر و عثمان به شهادت رسیدند و ابوالفضل العباس(ع) نیز، با کیفیتی که می دانید، هنگام آوردن آب به خیمه ها، شهید شد.

بنابر آن چه اشاره کردید، همه اصحاب و یاران سیدالشهدا(ع) در روز عاشورا به شهادت رسیدند. با این حال، در دهه نخست محرم و در هیئت عزاداری، رسم بر این است که هر شب را به نام یکی از یاران امام حسین(ع) می خوانند و به یاد او عزاداری می کنند و به همین دلیل، برخی بر این باور هستند که زمان شهادت فردی که در یک شب مشخص به یاد او عزاداری می شود، همان روز است.

این نام گذاری البته بر اساس برنامه ها و رسم های مربوط به عزاداری ها انجام گرفته است و ارتباطی به زمان شهادت افراد ندارد. مثلاً همان طور که گفتیم، ابوالفضل العباس(ع) که عزاداری شب تاسوعا به نام ایشان انجام می شود، عصر روز عاشورا به شهادت رسید. درست این است که بگوییم امام حسین(ع) و اصحابش، در یک روز و شاید بتوان گفت، در نیمی از یک روز، همگی به شهادت رسیدند و این موضوعی است که باید به آن توجه داشته باشیم.



یادمان

به مناسبت سالروز رحلت سیدرضی مؤلف «نهج البلاغه»

مؤسس نخستین مدرسه علمیه در جهان اسلام

نوائیان - امروز، ششم محرم، سالروز وفات عالم جلیل القدر و محدث بزرگ جهان اسلام، محمد بن حسین بن موسی، مشهور به «سیدرضی» است. هر چند که نام او، بیش از هر چیز، با کتاب ارجمند «نهج البلاغه» پیوند دارد، اما باید توجه داشته باشیم که این امتیاز بزرگ، تنها بخشی از افتخارات سیدرضی است. او نه فقط در علم حدیث که در کلام، فقه و ادبیات نیز، سرآمد روزگار خود بود. دیوان اشعار او که به همت ابو حکیم المعلم گردآوری شده، در برگیرنده شش هزار و ۳۰۰ بیت شعر است که برخی از علمای صرف و نحو، آن ها را در زمره بهترین و برترین شاهکارهای ادبیات عرب قرار می دهند. سیدرضی در سال ۳۵۹ ق و در بغداد به دنیا آمد. نسب او با پنج واسطه، به امام موسی کاظم(ع) می رسد و نسبش از طرف مادری نیز، به وجود مقدس پیشوای چهارم، امام سجاد(ع) ختم می شد؛ از این نظر، سیدرضی یکی از سادات صاحب احترام در بغداد بود که بعد از پدرش، حسین بن موسی، در ۲۰ سالگی به نقابت و ریاست آل ابی طالب در بغداد رسید. ابن ابی الحدید معتزلی در «شرح نهج البلاغه» به نقل از فخر بن مُعد آورده است که شیخ مفید شبانگاه در خواب، وجود صاحب عظمت حضرت فاطمه زهرا(س) را دید که دست دو درانه هستی، حسین(ع) را در حالی که کودک هستند، در دست گرفته و نزد شیخ آورده است و از او می خواهد که به این دوفصل، فقه بیاموزد. صبح روز بعد فاطمه بنت ناصر، مادر سیدرضی و سیدمرتضی، در حالی که دستان آن دو را گرفته بوده، وارد محل تدریس شیخ مفید شد و از او خواست به فرزندانش، فقه بیاموزد؛ به این ترتیب، خواب شیخ مفید تعبیر شد و علاوه بر آن، وی در تربیت این دو برادر سنگ تمام گذاشت.

سیدرضی افزون بر شیخ مفید، نزد دانشمندان بزرگ آن روزگار، مانند محمد طبری، ابوعلی فارسی، قاضی سیراف، قاضی عبدالجبار معتزلی، ابن نباته و سهل بن عبد الجلی نیز، به فراگیری دانش پرداخت و بعدها، در محل منزل شخصی اش، دارالعلمی تأسیس کرد که برخی از مورخان، آن را نخستین مدرسه علمیه در جهان اسلام می دانند. در این دارالعلم، طلاب افزون بر کسب دانش، از امتیاز خواب و شهریه هم برخوردار بودند و سیدرضی، کتابخانه ای غنی را برای استفاده آن ها گردآورده بود. او بعد از اتمام برنامه تدریس روزانه، به کار تألیف مشغول می شد. نجاشی ۱۲ کتاب را از آن سیدرضی دانسته که معروف ترین آن ها، نهج البلاغه است. سید این کتاب را با توجه به جایگاه بی بدیل امیر مؤمنان(ع) در بیان و کلام به رشته تحریر درآورد و هدف او از تدوین نهج البلاغه، معرفی اعجاز امام علی(ع) در این عرصه بود. با این حال، نهج البلاغه بعدها به اصلی ترین منبع سخنان مولی الموحدين(ع) در میان مسلمانان تبدیل شد. این کتاب در سال ۴۰۰ ق، حدود ۶ سال قبل از درگذشت سیدرضی به اتمام رسید. از دیگر آثار وی می توان به «خصائص الائمة»، «حقائق التنزیل»، «مجاز القرآن» و «الرسائل» اشاره کرد.

سیدرضی عمری طولانی نداشت. او در ششم محرم سال ۴۰۶ ق/ پنجم تیرماه سال ۳۹۹ ش، در حالی که حدود ۴۶ سال از عمرش گذشته بود، در محله «کُرخ» بغداد، دارفانی را وداع گفت. برخی از مورخان معتقدند که پیکر وی را در خانه اش به خاک سپردند؛ اما امروزه، مقبره ای در کاظمین، منسوب به وی وجود دارد و اخباری مبنی بر دفن وی در کربلا و نیز، مکانی در استان دیالی عراق نیز، در دست است. طبق یک روایت که بیشتر مورخان به آن باور دارند، سیدمرتضی بعد از خراب شدن منزل سیدرضی در بغداد، پیکر وی را به کاظمین انتقال داد و در حرم مطهر امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام به خاک سپرد.

آگهی تجدید مزایده اجاره مغازه واقع در پاساژ طلا و جواهر قائم

نوبت دوم

موضوع تجدید مزایده: واگذاری امتیاز بهره برداری و اجاره یک ساله یک باب مغازه واقع در پاساژ طلا و جواهر قائم
۱- قیمت کارشناسی پایه: به ازاء هر ماه ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ۲- نوع و مبلغ تضمین شرکت در تجدید مزایده: ضمانت نامه بانکی در وجه شهرداری آمل و یا وجه نقد بحساب شماره ۰۱۱۵۷۸۶۲۴۶۰۰۵ نزد بانک ملی بنام شهرداری آمل - مبلغ تضمین شرکت در تجدید مزایده ۰۰۰/۰۰۰/۱۲۰ ریال ۳- مهلت و محل دریافت اسناد تجدید مزایده: از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم بمدت ۵ روز - سامانه تدرکات الکترومیک دولت ۴- تاریخ مهلت بارگذاری پیشنهاد و اسناد تجدید مزایده در سامانه تدرکات الکترومیک دولت و ارسال ضمانت نامه به شهرداری آمل: ساعت ۱۹ عصر روز شنبه مورخه ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ -۵- تاریخ تشکیل کمیسیون معاملات: ساعت ۱۴/۳۰ روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۶ -۶- سایر جزئیات و اطلاعات در اسناد تجدید مزایده قید شده است. ۷- برای اطلاعات بیشتر به سامانه تدرکات الکترونیک دولت و سایت شهرداری آمل WWW.amol.ir رجوع گردد. نمابر ۰۱۱-۴۴۲۵۹۴۹۷-۴۴۲۲۹۰۰۱ تلفن ۰۱۱-۴۴۲۲۹۰۰۱

علی داودی - شهردار آمل